Rhetoric and Grammar Studies
Online ISSN: 2783 - 2627 Print ISSN: 2783 - 2619
Homepage : https://jls.qom.ac.ir

Analysis of Rozbahan Baghli's Linguistic Creativity in "Sharhe Shahtiyat" Based on Jacobsen's Communication Model

Mahboubeh Mobasheri [1]✉ | **Faizeh Vaezzadeh** [2]

1 Corresponding author, Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: mobasheri@alzahra.ac.ir
2 PhD student of Persian language and literature, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: f.waezzadeh@alzahra.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received 14 March 2024
Received in revised form 28 April 2024
Accepted 25 May 2024
Published online 09 June 2024

Keywords:
Mystic literature,
Communication model,
Rozbahan Baghli,
Roman Jacobsen,
Sharhe Shathiyat.

ABSTRACT

With the aim of identifying the linguistic features and expressive creativity of Rozbahan Baghli Shirazi, the present research has analyzed the "Sharhe Shathiyat" based on Roman Jacobsen's (1982-1896)"Communication Pattern". The results of the analysis show that in the process of communication between himself and his audience, Roozbahan has used the capacities of language in its six roles, including: referential, emotional, persuasive, empathetic, meta-linguistic and literary (poetic). In the meantime, due to the fact that the author's goal was to decipher the shenanigans of famous mystics, the "referential role" and news reports have been used the most frequently. Roozbahan has also created empathy with the audience by widely using Quranic verses and hadiths in terms of intellectual and ideological sharing. Although this feature is in the conceptual field of the "role of empathy" of Jacobsen's model, it is different from this model and is considered among Rozbahan's linguistic creativities. The "persuasive role" of Sharhe Shathiyat is manifested in the form of addressing all the phenomena of existence, and the "paralinguistic role" in Sharhe Shathiyat is used to describe more than 200 scientific terms of Sufism. Payam's "literary/poetic role" is very frequent in this work, and due to Roozbahan's pure personal and intuitive experiences and his creative interpretations, the metaphorical mentality has dominated the Sharhe Shathiyat. However, among the types of roles, "emotional role" is more prominent because it is the present language of the speaker and his special feeling about what he said, in such a way that it dominates all propositions and even referential propositions.

Cite this article: Mobasheri, M. Vaezzadeh, F. (2023). Analysis of Rozbahan Baghli's Linguistic Creativity in "Sharhe Shahtiyat" Based on Jacobsen's Communication Model. *Rhetoric and Gramer Studies*, 13 (24). 149-164. **DOI**: https://doi.org/10.22091/JLS.2024.10527.1591

© The Author(s)
DOI: https://doi.org/10.22091/JLS.2024.10527.1591
Publisher: University of Qom

پژوهش‌های دستوری و بلاغی
شاپا چاپی: ۲۶۱۹ - ۲۷۸۳ شاپا الکترونیکی: ۲۶۲۷ - ۲۷۸۳
Homepage : https://jls.qom.ac.ir

تحلیل خلاقیت‌های زبانی روزبهان بقلی در «شرح شطحیات» با تکیه بر الگوی ارتباطی یاکوبسن

محبوبه مباشری[1] ✉ | فائزه واعظ زاده[2]

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. رایانامه: mobasheri@alzahra.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیّات فارسی دانشگاه الزهرا، تهران، ایران. رایانامه: f.waezzadeh@alzahra.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۲۰

کلیدواژه‌ها:
ادبیات عرفانی، الگوی ارتباطی، روزبهان بقلی، رومن یاکوبسن، شرح شطحیات.

چکیده

تحقیق حاضر با هدف شناسایی ویژگی‌های زبانی و نیز خلاقیت‌های بیانی روزبهان بقلی شیرازی، به تحلیل «شرح شطحیات» با تکیه بر «الگوی ارتباطی» رومن یاکوبسن (۱۹۸۲-۱۸۹۶) پرداخته است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که روزبهان در فرایند ارتباط میان خود و انواع مخاطبان خویش، از ظرفیت‌های زبان در نقش‌های شش‌گانه آن، شامل: ارجاعی، عاطفی، ترغیبی، همدلی، فرازبانی و ادبی (شعری) بهره گرفته است. در این میان، به دلیل این که هدف نویسنده رمزگشایی از شطحیات عارفان نامدار بوده، «نقش ارجاعی» و گزاره‌های خبری بیشترین فراوانی کاربرد را به خود اختصاص داده است. روزبهان همچنین با بهره‌گیری گسترده از آیات قرآن و احادیث از جهت اشتراک فکری و عقیدتی، با مخاطب همدلی ایجاد کرده است. این ویژگی اگرچه در حوزه مفهومی «نقش همدلی» الگوی یاکوبسن قرار دارد، اما متفاوت از این الگو و در زمره خلاقیت‌های زبانی روزبهان محسوب است. «نقش ترغیبی» شرح شطحیات به شکل خطاب قرار دادن تمام پدیده‌های هستی نمود یافته و «نقش فرازبانی» در شرح شطحیات برای شرح بیش از ۲۰۰ اصطلاح علمی تصوف به کار رفته است. «نقش ادبی/ شعری» پیام در این اثر بسیار پربسامد است و به دلیل برخورداری روزبهان از تجربیات ناب شخصی و شهودی و تعبیرهای خلاقانه وی، ذهنیت استعاره گرا بر شرح شطحیات حاکم شده است. با این حال، از میان انواع نقش‌ها «نقش عاطفی» به دلیل این که زبان حال گوینده و احساس خاص او درباره گفته‌هایش است، نمود بارزتری یافته، به‌گونه‌ای که بر تمامی گزاره‌ها و حتی گزاره‌های ارجاعی تسلّط دارد.

استناد: مباشری، محبوبه؛ واعظزاده، فائزه. (۱۴۰۲). «تحلیل خلاقیت‌های زبانی روزبهان بقلی در «شرح شطحیات» با تکیه بر الگوی ارتباطی یاکوبسن». *پژوهش‌های دستوری و بلاغی*. دورهٔ ۱۳. شمارهٔ ۲۴. صص: ۱۶۴-۱۴۹. https://doi.org/10.22091/JLS.2024.10527.1591

ناشر: دانشگاه قم

© نویسندگان.

۱) مقدمه

در بررسی آثار منثور عرفانی با دو گونه نثر مواجه می‌شویم: ۱. نثری که به بیان علم تصوف و اصطلاحات صوفیه می‌پردازد و جزوی از ادبیات تعلیمی صوفیه به شمار می‌رود؛ ۲. نثری که عارف از طریق آن نتایج کشف و شهود خود در عوالم عرفان را بیان می‌کند. بر این اساس، «در گستره ادبیات منثور و منظوم صوفیان از دو گونه معرفت سخن رفته است. یکی معرفت شخصی و شهودی و دیگری علم رسمی. گونه نخست به قلمرو تجربه‌های شهودی و دریافت‌های درونی و شخصی تعلق دارد و گونه دوم به قلمرو دانش رسمی و علم اصطلاحی صوفیان» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۹: ۳۶).

شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی یکی از مهم‌ترین آثار منثور عرفانی است. این اثر چنانکه از عنوان آن مشهود است، با هدف روشن ساختن مفاهیم شطحیات عارفان برای مخاطبان ناآگاه از این مفاهیم، نوشته شده است. روزبهان در این اثر بیش از ۲۰۰ اصطلاح علمی صوفیانه را شرح داده، اما گذشته از جنبهٔ قاموسی و علمی، تعبیرهای ناب و خلاقانه بسیاری را در این اثر خویش درج کرده است؛ به‌گونه‌ای که اگرچه شرح شطحیات به عنوان «متن شعری» شناخته نمی‌شود، اما از نظر نثر شاعرانه و زبان خیال‌انگیز، بسیار درخور توجه است.

هدف تحقیق حاضر شناسایی ویژگی‌های زبانی و نیز خلاقیت‌های بیانی روزبهان بقلی در «شرح شطحیات» بوده و به این دلیل که در الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن، ساختار متون بر پایه ساخت های «دستوری» و واکاوی عنصر «ادبیت» ارزیابی می‌شوند و پژوهشگر به کشف خلاقیت در کاربرد زبان می‌پردازد، از این الگو بهره گرفته شده است. این در حالی است که در زمینه تحلیل متون عرفانی، اهمیت زبان ارزش مضاعف می‌یابد، زیرا «تجربه‌های ذوقی و هنری و دینی و عرفانی هرکس، جایگاه روحی اوست[...] که هرگز نمی‌توان وارد قلمروِ معنوی افراد گردید. تنها می‌توان به آن حدود نزدیک شد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۶۶). به عبارتی دیگر، «تنها مساهمتی که ما می‌توانیم در تجربه عرفانی دیگران داشته باشیم، از رهگذر زبان است و جلوه‌های گوناگون زبان» (همان: ۲۷۰).

شهرت یاکوبسن به مطالعه وی در زمینه شعر و نقش ساخت های دستوری موجود در آن بر می‌گردد. بر این اساس، امروزه تحلیل‌های او را سرآغازی بر پیدایش نقد ساختاری- زبان‌شناختی و «مفهوم شناسی» در ادبیات می‌دانند (قویمی، ۱۳۸۳ الف: ۸۰). از نظر یاکوبسن شیوهٔ انتخاب یک واژه از میان واژه‌های معادل بر روی محور جانشینی و چگونگی هم‌نشینی آن‌ها بر روی محور هم‌نشینی، می‌تواند جملات یک زبان را از نقش ارتباطی به سمت نقش ادبی سوق دهد (ناصح، ۱۳۸۸: ۱۵۱). او در تحلیل‌های خود تلاش می‌کرد تا «ادبیت» متن را واکاوی کند و ترفندهایی را که گفتار متن را به کلامی شاعرانه بدل می‌کند، تشریح کند، اما شعرشناسی را به کارکرد شعری زبان محدود نمی‌کرد، بلکه این کلمه را در مفهوم گسترده و بیرون از حیطه شعر نیز به کار می‌گرفت. به باور او «وقتی ارتباط کلامی صرفاً به سوی پیام میل کند، یعنی وقتی پیام به‌خودی‌خود، کانون توجه می‌شود، آن موقع است که زبان کارکرد شعری دارد» (فالر و همکاران، ۱۳۸۱: ۷۷). بر این اساس «به نظر می‌رسد که در پاسخ به این پرسش همیشگی که ادبیات چیست؟ نظریه فرایند ارتباطی یاکوبسن تا حد زیادی کارساز است» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۱).

۱-۱) پرسش‌های پژوهش

با توجه به هدف و رویکرد، پرسش‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

۱. روزبهان بقلی در شـرح شـطحیات کدام‌یک از نقش‌های مطرح در الگوی ارتباطی یاکوبسـن را به کار گرفته است؟

۲. کدام بخش از الگوی یاکوبسن در شرح شطحیات نمود بارزتری یافته است؟

۱-۲) پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش نشان از گسترش کاربرد الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن در تحلیل متون مختلف ادبی فارسی دارد؛ به عنوان نمونه، سعید حاتمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل رویکرد تعلیمی ابوسعید ابوالخیر بر مبنای نظریه ارتباطات کلامی یاکوبسن» ارتباطات کلامی این عارف بزرگ را از دیدگاه الگوی یاکوبسن ارزیابی کرده‌اند. همچنین تورج عقدایی و فاطمه بیدا خویدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با نام «تعامل زبان و معنا در سوانح احمد غزالی بر پایه نظریه ارتباطی یاکوبسن» سوانح العشاق احمد غزالی را از منظر فرایند ارتباطی یاکوبسن تحلیل کرده‌اند. پژوهش‌های متعدد دیگر نیز با این الگو انجام شده است که اشاره به آن‌ها ضروری به نظر نمی‌رسد.

شرح شطحیات روزبهان بقلی، به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار عرفانی فارسی، اگرچه در کانون توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران نقد ادبی قرار داشته، اما پژوهش‌های انجام شده بیشتر بر حوزه‌های مفهومی این اثر متمرکز بوده‌اند؛ به عنوان نمونه، تقی پورنامداریان در کتاب «رمز و داستان‌های رمزی» (۱۳۶۴) در بحث شیوهٔ برخورد با موضوع یا متعلق به معرفت و تأثیر آن در کیفیت بیان، به رابطه رمز و تجربه‌های شخصی روزبهان پرداخته است؛ محمّدرضا شفیعی کدکنی در کتاب «زبان شـعر در نثر صـوفیه» (۱۳۹۲) در مبحث اسـتعاره‌های مرکزی یا اسـتعاره‌های اصـلی، به نمونه‌هایی از اسـتعاره‌های روزبهان در شرح شطحیات اشاره کرده است؛ تقی پورنامداریان و الهام رستاد (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی و تحلیل کاربرد آیات و احادیث در شـرح شـطحیات روزبهان بقلی» چگونگی کاربرد «آیات و احادیث» در شـرح شـطحیات را از منظر دستور، بیان و معانی، تحلیل و بررسی کرده‌اند؛ همچنین، خلیلی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی و تحلیل تصویر در شـرح شـطحیات روزبهان» شگردهای تصـویرسـاز روزبهان را ارزیابی کرده‌اند. برخی از پژوهش‌ها نیز جنبه‌های سـبکی و سـاختاری این اثر را تحلیل و ارزیابی کرده‌اند؛ از جمله، محمّدعلی آتش سـودا (۱۳۸۸) در مقاله «سـبک نثر و اندیشـه روزبهان در شرح شطحیات» این اثر را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری، تحلیل و ارزیابی کرده است.

در بررسی پیشینه تنها یک پژوهش در زمینه شرح شطحیات با رویکرد رومن یاکوبسن شناسایی شد. فرزانه چهار لنگ علی ضـامنی و ایرج مهرکی (۱۴۰۰) در قالب مقاله‌ای با عنوان «بررسـی قطب اسـتعاری و مجازی زبان در شـرح شطحیات روزبهان بر اساس نظریه رومن یاکوبسن» منتشر کرده‌اند. نویسندگان کاربرد «قطب مجازی» و «قطب استعاری» در شرح شـطحیات را تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که روزبهان برای وصـف خداوند و خلفای راشـدین از قطب مجازی و برای شرح شطحیات عرفا، از قطب استعاری زبان بهره گرفته است. مقاله فوق‌الذکر اگرچه از جهت بهره‌گیری از رویکرد یاکوبسن با پژوهش حاضر اشتراک دارد، اما از جهت این که شرح شطحیات را از دیدگاه «قطب های استعاری و مجازی زبان» تحلیل کرده، ماهیت و همچنین نتایج متفاوتی دارد. در تحقیق حاضر، شرح شطحیات برای نخستین بار، از

دیدگاه «الگوی ارتباطی یاکوبسن» و بر اساس چگونگی بهره‌گیری روزبهان بقلی از نقش‌های شش‌گانه عاطفی، ترغیبی، ارجاعی، فرازبانی، همدلی و زبان ادبی تحلیل و ارزیابی شده است.

۱-۳) اهمیت و ضرورت پژوهش

شرح شطحیات یکی از مهم‌ترین و زیباترین آثار عرفانی فارسی است که گذشته از محتوا، از نظر نثر شاعرانه و زبان خیال‌انگیز، درخور توجه است. این اثر همانند بسیاری از متون عرفانی فارسی، با رویکردهای نوین علمی کمتر بررسی شده است. در تحقیق حاضر، شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی بدون در نظر گرفتن مفاهیم و مقوله‌های عرفانی و مختصات بلاغی به کار رفته در متن، بر اساس الگوی ارتباطی رومن یاکوبسن تحلیل و ارزیابی شده تا گامی باشد در جهت بازشناسایی بخشی از گنجینه گران‌بهای متون عرفانی در ادب فارسی.

۱-۴) روش پژوهش

در تحقیق حاضر، بر اساس روش جدول نمونه‌گیری علمی کرجسی و مورگان[10] از کل جامعه آماری پژوهش (شامل ۶۳۷ صفحه و ۴۵۴ فصل) صفحات ۱۸۰ تا ۲۸۰ (شامل فصل‌های ۱۰۲ تا ۱۶۴) کتاب شرح شطحیات روزبهان بقلی، به عنوان حجم نمونه، با شیوه انتخاب تصادفی، ساده برگزیده شده و سپس متن حجم نمونه از نظر چگونگی کاربرد نقش‌های شش‌گانه در الگوی ارتباطی یاکوبسن، به روش توصیفی- تحلیلی، مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۱-۵) مبانی نظری پژوهش

یاکوبسن نظریه ارتباطی خود را در سال ۱۳۶۰ در رساله‌ای با نام «زبان‌شناسی و نظریه ادبی» برای نخستین بار بیان کرد. نظریه او در هر رخداد زبانی، شش عنصر سازنده را برجسته می‌کند؛ به این معنی که هرگونه ارتباط زبانی از یک پیام تشکیل شده که از سوی فرستنده منتقل می‌شود. این ساده‌ترین شکل ارتباط است، اما هر ارتباط موفق باید سه عنصر دیگر را نیز به همراه داشته باشد که عبارتند از: «تماس» (به شکل فکر و روانی)، «کد» یا مجموعه‌ای از رمزگان و علائم و سرانجام «زمینه» که در گستره آن می‌توان فهمید پیام چیست (احمدی، ۱۳۷۰: ۶۶- ۶۵). بنابراین، یاکوبسن شش جزء تشکیل‌دهنده فرایند ارتباط، یعنی «گوینده، مخاطب، مجرای ارتباطی، رمز، پیام و موضوع را که حاصل معنی است، تعیین‌کننده نقش‌های شش‌گانه زبان می‌داند» (صفوی، ۱۳۹۴: ۳۵) و با توجه به عطف پیام به هریک از این شش عامل، شش نقش مختلف برای زبان در نظر می‌گیرد که عبارتند از: ۱. عاطفی؛ ۲. ترغیبی؛ ۳. ارجاعی؛ ۴. فرازبانی؛ ۵. همدلی؛ ۶. زبان ادبی (همان، ۱۳۹۱: ۴۸۷).

۱-۵-۱) نقش عاطفی

اگر جهت‌گیری پیام به سوی گوینده باشد، «نقش عاطفی» نامیده می‌شود. این نقش در تقابل با نقش ارجاعی قرار دارد. نقش (کارکرد) عاطفی، زبان حال گوینده است که تجلّی می‌یابد و تأثیری از احساس خاص گوینده به وجود می‌آورد، خواه گوینده آن احساس را داشته باشد، خواه وانمود به چنان احساس کند. لایه صرفاً عاطفی زبان، در حروف ندا بروز می‌کند، به این دلیل که حروف ندا هم از الگوی آوایی منحصربه‌فردی برخوردارند و هم خود به‌تنهایی معادل جمله هستند و نه اجزای جمله؛ مانند: «نچ‌نچ!» و غیره.

10 - Kerjcie & Morgan

۱-۵-۲) نقش ترغیبی

اگر جهت‌گیری پیام به سوی مخاطب باشد، منجر به ایجاد «نقش ترغیبی» می‌شود. بارزترین نمونه آن، ساخت های «ندایی» یا «امری» است؛ مانند: «ای خدا!» یا «این کتاب را بخوان!».

۱-۵-۳) نقش ارجاعی

در این نقش، جهت‌گیری پیام به سمت موضوع است. جملات اخباری که قابلیت صدق و کذب دارند و معمولاً در متون علمی پرکاربردند، از «نقش ارجاعی» برخوردارند.

۱-۵-۴) نقش فرازبانی

از نظر یاکوبسن، هرگاه گوینده یا مخاطب یا هر دو احساس کنند لازم است از مشترک بودن رمزی که استفاده می‌کنند، مطمئن شوند، در این صورت جهت‌گیری پیام به سوی رمز خواهد بود و آن را «نقش فرازبانی» می‌گویند. این نقش، بیشتر در فرهنگ‌های توصیفی کاربرد دارد؛ مانند: «علی یعنی: عین، لام و یا».

۱-۵-۵) نقش همدلی

در این نقش، جهت‌گیری به سمت مجرای ارتباطی است و هدف گوینده در «نقش همدلی» حصول اطمینان از عمل کردن مجرای ارتباط است؛ مانند این جمله در مکالمه تلفنی: «الو، صدایم را می‌شنوی؟» و غیره.

۱-۵-۶) نقش ادبی

در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است. به اعتقاد یاکوبسن، بررسی درباره این نقش زبان، بدون در نظر گرفتن مسائل زبانی مؤثر نخواهد بود. او این نقش را «نقش شعری» نامیده است؛ مانند: «هزار بار می‌میرم تا زنده بمانم!» (یاکوبسن، ۱۳۸۶: ۸۰- ۷۱؛ آقابابایی و صفوی، ۱۳۹۵: ۱۶- ۱۳).

اگرچه این شش وجه عمده زبان با هم متفاوتند، اما به‌ندرت می‌توان پیامی کلامی یافت که فقط یک کارکرد داشته باشد. ساختار کلامیِ پیام، در درجه اول بستگی به این دارد که کدام کارکرد به کارکردهای دیگر تفوّق داشته باشد (یاکوبسن، ۱۳۸۱: ۷۱). به عبارتی دیگر، هر پیام کلامی می‌تواند چند نقش زبانی را داشته باشد، اما در این میان، پیام به یکی از نقش‌ها تمرکز و توجه بیشتر دارد.

رومن یاکوبسن در کنار نقش‌های شش‌گانه زبان، برای واکاوی «ادبیتِ» متن، نظریه «قطب مجازی» و «قطب استعاری» زبان را مطرح کرده است. استعاره و مجاز در الگوی یاکوبسن بر اساس نظریه تقابل‌های دوگانه زبانی و مناسبات «هم‌نشینی» و «جانشینی» سوسور شکل گرفته است. هم‌نشینی بیانگر این است که «عناصر هر زبان به قاعده‌های مشخصی کنار هم قرار می‌گیرند» (احمدی، ۱۳۷۰: ۳۲۹). در این بخش واژه‌ها بر روی محور افقی و طبق اصول دستور زبانی، کنار هم قرار می‌گیرند. در جانشینی، تغییرات در محور عمودی صورت می‌گیرد، به این معنی که «رابطه هر یک از اجزای پیام را با دیگر اجزای مقوله دستوری خود که می‌توانند به جای یکدیگر بیایند و معنی جمله را تغییر دهند، رابطه جانشینی می‌گویند» (باقری، ۱۳۹۳: ۵۰). فرایند هم‌نشینی در مجاورت تجلّی می‌کند و ابزار آن «مجاز مرسل» است. فرایند جانشینی در مشابهت تجلّی می‌کند و ابزار آن «استعاره» است (هاوکس، ۱۳۹۰: ۱۱۶- ۱۱۵ به نقل از چهار لنگ علی ضامنی و مهرکی، ۱۴۰۰: ۴۸).

از دیدگاه یاکوبسن تفاوتی که در محور عمودی و افقی زبان است، بر مبنای تفاوت میان زبان و گفتار است. وی معتقد است که گزینشی از کلمات در شعر توسط شاعر بر اساس علاقه مشابهت و در محور عمودی کلمات اتفاق می‌افتد و کلماتی جایگزین کلمات دیگر می‌شوند. این جابه‌جایی منجر به «قطب استعاری» زبان می‌شود که به دنیای شعر و دنیای شورانگیز شاعری که آن را خلق می‌کند، مختص است و بر این اساس «به عقیده او شعر به دلیل اهمیت گزینش و جانشینی عناصر، استعاری است» (احمدی، ۱۳۷۰: ۸۳).

یاکوبسن به طور کلی، قطب استعاری و مجازی زبان را گذر کلام از یک موضوع به موضوع دیگر، یا بر اساس مشابهت و یا بر اساس مجاورت تعریف کرده است. از نظر وی گزینش کلمات توسط شاعر که بر اساس علاقه مشابهت و در محور عمودی اتفاق می‌افتد، منجر به قطب استعاری زبان می‌شود؛ اما قطب مجازی زبان در نظریه یاکوبسن، معادل با «مجاز مرسل» و بر اساس ارتباطی غیر از مشابهت است. مجاز برخلاف استعاره که تنها به دنبال رابطه شباهت است، به دنبال کیفیت درونی یک مفهوم است و در روابط هم‌نشینی کلمات خود را آشکار می‌سازد. از نظر او، نثر که لزوماً «با روابط مجاورت ادامه می‌یابد، به سوی مجاز گرایش دارد، ولی شعر که در ساختار موزون خود و استفاده‌اش از قافیه، تأکید بر مشابهت دارد، به سوی قطب استعاری متمایل است» (فالر و همکاران، ۱۳۸۱: ۵۱).

۲) تحلیل و بررسی

روزبهان ابومحمّد بن ابی‌نصر بن روزبهان بقلی فسایی شیرازی، از عارفان قرن ششم است که آثار گوناگونی از او در زمینه‌های عرفان و حدیث و تفسیر و فقه، به زبان‌های فارسی و عربی بر جای مانده است، اما به سبب دشواری‌ها و پیچیدگی‌های لفظی و پوشیدگی سخن، آثارش تا حد زیادی ناشناخته مانده است؛ شرح شطحیات یکی از مهم‌ترین آثار فارسی اوست. اگرچه در یک قرن اخیر برخی از پژوهشگران غربی و ایرانی، از جمله لویی ماسینیون، هانری کربن، محمّد معین و محمّدتقی دانش‌پژوه مطالعاتی درباره زندگی و آثار و اندیشه‌های روزبهان انجام داده‌اند، اما پژوهش‌ها بیشتر بر شناخت شخصیتی روزبهان و مفاهیم موجود در آثار او متمرکز بوده‌اند و آثار روزبهان، همچون بیشتر آثار عرفانی، از دیدگاه‌های نقد نوین کمتر مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

به‌طورکلی، پیدایش متون عرفانی تابع سنّت عارفانه نویسندگان آن‌ها بوده است؛ به این معنی که عارفان برای تصنیف کتاب‌های خود اهداف عمده‌ای شامل «یکی، تعلیم اصول و مبانی اعتقادات دینی و عرفانی؛ دیگر، تبلیغ تصوف در میان عوام مردم؛ سه‌دیگر، دفاع از تصوف در برابر مخالفان؛ چهارم ارضای خاطر نویسنده با بیان کردن حالات و تجربیات عرفانی و درد درونی خویش» (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۶۲) داشتند. در این میان، روزبهان بقلی شیرازی در فصل نخست این کتاب، هدف از نوشتن آن را پاسخ به نداهای درونی می‌داند که او را مخاطب قرار دادند تا کتابی در دفاع از شطحیات عارفان به رشته تحریر درآورد و از آنان در برابر انکار و افترای جمعی نادان و ناتوان از درک شطحیات دفاع کند (روزبهان بقلی، ۱۳۶۰: ۱۳-۳).

۲-۱) ساختار و محتوای شرح شطحیات

شرح شطحیات شامل یک مقدمه و ۴۵۴ فصل و یک خاتمه است که به نثری فنی و مصنوع با ستایش خداوند، مدح رسول‌الله و خلفای چهارگانه و درود بر روح مشایخ، ابرار و ابدال حق آغاز شده و در ادامه، روزبهان از احوال و مقامات خود در عرفان سخن می‌گوید و از بی رسمان زمانه شکایت می‌کند که چگونه در طول تاریخ، عظمت مقام انبیا و اولیا را درک نکردند و به آزارشان پرداختند. او«شطح» را در لغت و در اصطلاح معنی و تفسیر می‌کند و معتقد است که شطح مضمونی یگانه با جلوه‌های سه‌گانه است که شطح خداوندی در قرآن، شطح نبوی در حدیث و شطح عاشقانه در عرفان از آن جمله‌اند. بر این اساس، او پس از شرح و تفسیر معنای شطح، ابتدا به شطح نبی گرامی اسلام(ص) و صحابه آن حضرت اشاره کرده، سپس شطحیات هریک از عرفا را مورد بررسی قرار داده است؛ درمجموع، روزبهان در این کتاب ۱۱۲۸ مرتبه آیات قرآن و ۴۰۰ مرتبه احادیث نبوی(ص) را به کار برده است (پورنامداریان و رستاد، ۱۳۹۳: ۲۶). روزبهان همچنین در اثر خویش، از ۴۵ عارف حدود ۱۹۲ شطح نقل کرده که بیشترین آن‌ها از بایزید بسطامی (۳۱ شطح) و حسین بن منصور حلاج (با ۴۵ شطح و ۲۷ روایت و ۱۱ طاسین) است. او کتابش را با شطحیات حلاج در سه بخشِ اسانید غریب و الفاظ شطحیات و طواسین به پایان می‌برد. روزبهان همچنین بیش از ۲۰۰ اصطلاح را در این کتاب شرح داده است.

به طور کلی «در گستره ادبیات منثور و منظوم صوفیان، از دو گونه معرفت سخن رفته است. یکی معرفت شخصی و شهودی و دیگری علم رسمی. گونه نخست به قلمرو تجربه‌های شهودی و دریافت‌های درونی و شخصی تعلق دارد و گونه دوم، به قلمرو دانش رسمی و علم اصطلاحی صوفیان» (فتوحی رودمعجنی، ۱۳۸۹: ۳۶). بر این اساس، شرح شطحیات روزبهان را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. قسمت اول شطحیات عارفانی است که در حالت سکر و مستی نوشته شده و روزبهان آن‌ها را جمع‌آوری کرده، مجموعه کاملی از شطح عرفا را به عنوان گنجینه‌ای از شطحیات عرفا به میراث گذاشته است. قسمت دوم کتاب، شرحی است که روزبهان بر هرکدام از شطحیات عرفا نوشته است؛ شرحی که اگرچه آراسته به استعاره و زیور شعرگونه کلام است، اما در حقیقت برای بیان آموزه‌های تصوف به کار گرفته شده است. به نظر می‌رسد که روزبهان با بیانی شعرگونه و استعاری، قصد داشته است آداب و اصول تصوف را از لابه‌لای شطح عرفا برای مخاطبان خود شرح دهد. در این میان، اگرچه می‌توان مدعی شد که هر دو وجه کلام مجازی و استعاری در نثر روزبهان جاری است، اما آنچه مشخص است کشش و استواری کلام روزبهان به سمت قطب استعاری کلام صوفیه است (چهار لنگ علی ضامنی و مهرکی، ۱۴۰۰: ۶۲- ۶۱).

۲-۲) کاربرد نقش‌های زبانی الگوی یاکوبسن در شرح شطحیات

۲-۲-۱) نقش ارجاعی

نقش ارجاعی بیشتر محتوا و مضمون پیام را در بر می‌گیرد و به صورت جملات اخباری بیان می‌شود. بر اساس نتایج بررسی، حدود ۴۸ درصد از مجموع جمله‌ها در جامعه آماری پژوهش به جمله خبری اختصاص یافته است، مانند: «به دیده دیمومیّت جمال ازلی بمی بینید. دیده را بدان دیده صدهزار دیده پیدا می شود و از عیون صفات و سرّ اسماء و جلال نعوت از قدم در قدم نگران است» (روزبهان بقلی، ۱۳۶۰: ۲۱۴- ۲۱۳)، «آستینی زر بر سر شیخ افشاند. در خدمت شیخ به مقام ولایت رسید» (همان: ۲۲۸)، «از دد و دام امتحان قهر رستند» (همان: ۲۳۰) و غیره. اگرچه جملات خبری در ساختارهای متنوع به

کار رفته‌اند، اما کاربرد جملات دارای ساختار ساده پربسامدتر از انواع دیگر است. در همین ساختار ساده جملات، مفاهیم استعاری گوناگون گنجانیده شده است؛ از جمله: «آنجا نه توحید و نه موحّد مانَد. فردی در فردی ظاهر می‌شود و حدث از قِدم بیرون می‌گردد» (همان: ۲۱۹)؛ «عقل اول از مطلع صبح دین برآمد» (همان: ۲۲۰)؛ «در مکاشفات علم لدنّی، اکتساب منقطع شد» (همان: ۲۴۹)؛ «حق از سرّ او در سرّ او بارز شد» (همان: ۲۵۱)؛ «ممکن باشد که در حدیث سماع کرده بود و از اخبار پیامبر دانسته بود، زیرا که او صاحب حدیث بود» (همان: ۱۹۲)؛ «از فلک علوی و سفلی به اشارت بی نشانِ غیب، ملک سلطانی را نشان می‌کنند» (همان: ۱۹۳) و نمونه‌های فراوان دیگر.

۲-۲-۲) نقش عاطفی

در الگوی رومن یاکوبسن نقش عاطفی بیشتر در کاربرد حروف ندا و شبه جمله‌ها تجلّی می‌یابد. در این کارکرد، ارتباط کلامی به فرستنده متکی است و این کارکرد به‌گونه‌ای زبان حال گوینده است. «این نقش زبان، تأثیری از احساس خاص گوینده را به وجود می‌آورد» (صفوی، ۱۳۸۰: ۳۱) و بیانگر احساس مستقیم گوینده از موضوعی است که درباره‌اش صحبت می‌کند (سجودی، ۱۳۸۰: ۹۲). در شرح شطحیات نقش عاطفی کلام روزبهان در کاربرد طیف وسیع انواع حروف ندا و شبه جمله‌ها نمود یافته است.

- ندا و منادا: در شرح شطحیات کاربرد شبه جمله‌های ندایی بسیار گوناگون است؛ از جمله: «ای صوفی خوب روی این جمال از کجا داری؟» (روزبهان بقلی، ۱۳۶۰: ۱۹۱)، «ای صدهزاران پیمانه دریای خرد قطره بحر امید تو» (همان: ۱۸۹)، «ای قابل معنی آدم» (همان: ۱۸۶). کاربرد ندا و منادا در شرح شطحیات در بسیاری از موارد حتی منحصربه‌فرد است، به‌گونه‌ای که روزبهان غیر از خطاب خداوند مانند «ای قدیم!» (همان: ۲۳۳)، «ای خلیل!» (همان)، «ای خرد آفرین!» (همان: ۲۷۸) و همچنین خطاب انسان در جایگاه‌های مختلف، مانند: «ای دوست!» (همان: ۲۳۴)، «جانا!» (همان: ۲۴۰)، «ای عیّار!» (همان: ۲۳۴)، «ای عاشق!» (همان: ۲۴۶)، «ای صوفی دلفروز! ای آفتاب انجم سوز!» (همان: ۲۶۳)، «ای آدم!» (همان: ۲۷۰)، «ای ساده‌دل مرید!» (همان: ۲۶۴)، «ای فضولی!» (همان: ۲۳۶)، «ای سایل!» (همان: ۲۳۵)، «ای هم‌نشین مرغ سبحانی» (همان: ۲۵۲) و «ای فتنه‌انگیز أرنی‌گوی» (همان: ۲۴۹)، گاه اجزای وجود انسانی خویش را نیز مورد خطاب قرار داده است؛ مانند: «ای جان آشفته!» (همان: ۲۵۴)، «ای تن فرسوده!» (همان: ۲۲۱) و «ای زبان بی زبان!... ای گوش بیهوش!» (همان: ۲۱۰). فراتر از این موارد، در یک خطاب وسیع، گویی زمان و زمین و حتی کائنات را مورد خطاب خود قرار داده است؛ مانند: «ای دهر دهّار!... ای زمان و مکان!... ای ظلّ سماوات!... ای عصر عالم!... ای فرش زمین!... ای زلال اخضر!... ای ضیاء خورشید!» (همان: ۲۱۵- ۲۱۴) و غیره. بدون شک، این‌گونه ندا و خطاب، فقط خطاب نیست، بلکه حامل بخشی از جهان‌بینی مؤلّف و دربردارنده گفتمان‌های مختلف متن، از باور اعتقادی نسبت به خداوند (با خطاب قدیم و خلیل و عقل آفرین و غیره) تا هستی‌شناسی (با خطاب فرش نسبت به زمین و ظلّ به سماوات و خطاب عصر به عالم و غیره) که برگرفته از تعاریف قرآنی است و خودشناسی (با خطاب ناتوان به روح و فرسوده به تن، زیر سنگ روزگار و غیره) که حاصل دیدگاه و تجربیات شخصی اوست و دیدگاه اجتماعی مؤلّف (با خطاب ساده‌دل به مرید و فتنه‌انگیزی انسان در نشناختن حدّ خویشتن و غیره) است.

- روزبهان در شرح شطحیات علاوه بر استفاده از این نقش در قالب حروف ندا و شبه جمله‌ها، خلاقیت‌های دیگری نیز به کار برده که اگرچه از در حوزه مفهومی «نقش عاطفی» است، اما تفاوت‌هایی با الگوی یاکوبسن دارد، از جمله کاربرد نام‌آواها و شبه جمله‌های قسم.
- نام‌آواها و اصوات: در این اثر به نام‌آواهایی بر می‌خوریم که بسیاری از آن‌ها امروزه کاربرد خود را از دست داده‌اند شامل: شهقه، زعقه، ترنّم، آوه، فریاد و نغمات، از جمله در عبارت‌های: «ای دهر دهّار! کجاست شهقه شبلی؟ کجاست زعقه حصری؟ کجاست ترنّم ابوالحسن نوری؟ کجاست آوه ابوحمزه صوفی؟ کجاست [...] فریاد بهلول؟ کجاست نغمات سبّوحی؟» (همان: ۲۱۵-۲۱۴) و نیز اصواتی شامل: هلاهلا (همان: ۲۱۷)، لبیک‌لبیک، لبیک، ویحک (همان: ۲۰۴)، زهی (همان: ۲۳۱)، زنهار، خه و غیره که در جای جای این اثر پراکنده است.
- قَسَم: نمونه‌ای دیگر از شبه جمله در شرح شطحیات است؛ مانند: «به جانِ جان‌پرورم!» (همان: ۲۱۴)، «به جان تو!» (همان: ۱۹۱)، «به جانِ بی‌جانانِ در معرفتْ زنده!» (همان: ۲۲۷)، «به جانِ همه بی‌جانانْ [...] جوانمردانی که حروف خِرد از عبارت عشق ایشان خسته است!» (همان: ۲۵۷) و غیره.

۲-۲-۳) نقش همدلی

در این نقش، جهت‌گیری پیام به سوی مجرای ارتباطی و هدف از پیام، ایجاد ارتباط و اطمینان از عمل کردن مجرای ارتباط است. در حقیقت، نقش همدلی به دنبال جلب توجه مخاطب و «باب سخن را گشودن» و آماده کردن مخاطب است که در نظریه ارتباطی یاکوبسن، معمولاً در جملات دارای ساختار پرسشی نمود می‌یابد. بررسی انواع جمله در حجم نمونه پژوهش حاضر نشان داد که حدود ۱۹ درصد از مجموع جمله‌ها را نوع «پرسشی» تشکیل داده که اگرچه در مواردی با نوع پرسش مطرح در نظریه ارتباطی یاکوبسن متفاوتند، اما کاربرد آن‌ها در شرح شطحیات به‌گونه‌ای بسیار خاص است؛ از جمله برای نفی یک موضوع، گاه با پرسش از نوع استفهام انکاری مانند: «از دفتر حکیمان فلسفه، طبع اطباق افلاک چه دانی؟» (همان: ۲۲۰)، «آفتاب معرفت چون برآمد، چراغ شبکوران طبیعت چه کند؟» (همان: ۱۸۹)، «از آتش و آب طبیعت چه جویی؟» (همان: ۱۸۵)، «بعد از شواهد ذرّات و صفات قدیم تصرف نتواند کرد، چه پای صبر بلای قدیمی دارد که اگر ذرّه ای آتش دوزخ در هفت آسمان و زمین اندازد، جمله بسوزد؟» (همان: ۲۸۰) و در مواردی از راه همراهی و بیان هدایتگرانه، مانند: «نبینی که جبرئیل(ع) چون در دوزخ شود روز محشر تا عاصیان از دوزخ برآورَد، به برکت جمال او دوزخ ب دوزخیان سرد شود؟» (همان: ۲۵۵)؛ و همچنین، برای بیان نوعی حسرت عمیق، مانند: «کجاست شهقه شبلی؟ کجاست زعقه حصری؟ کجاست ترنّم ابوالحسن نوری؟ کجاست آوه ابوحمزه صوفی؟ کجاست... فریاد بهلول؟ کجاست نغمات سبّوحی؟» (همان: ۲۱۴-۲۱۵) و گاهی جهت تأکید و عظمت بخشی به یک مطلب در تقابل با موضوعی دیگر، مانند: «ای طفل عشق! نه ذباب کون بسته عنکبوت قهر توست؟» (همان: ۲۴۷). روزبهان همچنین از نقش همدلی برای سرزنش مخاطب استفاده کرده است؛ مانند: «اگر قاصد نامه «و نفختُ فیه من روحی» هستی، چند تربیتِ منزل خود کنی؟» (همان: ۱۸۲).

روزبهان در استفاده از «نقش همدلی» خلاقیت ویژه‌ای به کار برده است و آن این است که در شرح شطحیات با آوردن آیات قرآن و احادیث و ایجاد زمینه اشتراک فکری و عقیدتی با مخاطب، همدلی ایجاد کرده است؛ از جمله:

«لیسَ کمثله شیءٌ بیخ اشکال از محلّ خیال برآورَد» (همان: ۲۲۰)، «راه سبحَانَ الّذی أسرَی از خاشاک اطباق سماوات برُفتند» (همان: ۲۲۰)، «تُبتُ إلیکَ گویان، به حق می‌نالیدند» (همان: ۵۷)، «از حُبِّب إلیَّ مِن دُنیاکُم دست بدار» (همان: ۱۲۱)، «قال الله تعالی و لایشرک بعباده ربّه احداً سرّ مازاغَ البصر و ما طغی در این نادره مضمر است» (همان: ۲۷۸) و نمونه‌های فراوان دیگر.

۲-۲-۴) نقش ترغیبی

نقش ترغیبی قابلیت صدق و کذب ندارد و جهت‌گیری و تأکید آن بیشتر به سوی مخاطب است. در حقیقت، این نقش بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد. بر اساس الگوی ارتباطی یاکوبسن، هرگاه فرستنده پیام با فعل‌های امر و نهی مخاطب خود را به انجام کاری ترغیب کند یا او را از کاری منع کند، زبان در نقش ترغیبی به کار گرفته شده است. زمینه‌های کاربرد «نقش ترغیبی» معمولاً در ساخت‌های «ندایی» یا «امری» (طلبی) فراهم است. ساخت‌های ندایی شرح شطحیات چنان که در بخش نقش عاطفی زبان به آن پرداخته شد، گستره وسیعی دارد و روزبهان در این اثر خود، تقریباً تمام پدیده‌های هستی را مورد خطاب خود قرار داده است.

بررسی نوع جملات حجم نمونه پژوهش نشان داد که کاربرد ساخت امری حدود ۱۴ درصد از کل ساختار جملات در شرح شطحیات را به خود اختصاص داده است که در این میان، حدود ۸ درصد ساختار امری در خطاب با مخاطبان عام (که در بخش ندا و منادا با آنان اشاره شده است) به کار رفته؛ مانند: «در توحید نگر که حقّ پیش از وجود تو، تو را در ازل نهاده بود» (همان: ۲۱۸)، «ای هم‌نشین مرغ سبحانی! نقاب عبودیّت بردار [...] به تازه بهار تصوّفی، بیخ از گل آدم برکَن تا در باغ جاوید بی اجل، همدم ازل گردی! [...] غریب تنها رو در عشق باش [...] بر نهال وجود، سالار محبّت شو» (همان: ۲۵۳)، «گِرد بدخویان تکلیف و تکلّف مگرد که ساحت علم دُرج امکان جانت در عرصه صفت عروسان تجلّی در پرده حجله انس دارد» (همان: ۱۹۸)، «بربط زنان بهشت را بگوی تا بر اوتار اسرار از شوق وصلت بیت واشوقاه زنند» (همان: ۲۸۰) و نمونه‌های دیگر؛ اما حدود ۶ درصد از جملات دارای ساختار امری (طلبی) خطاب به خداوند به کار رفته و نوع «دعایی» ساختار امری را تشکیل داده است؛ از جمله: «خداوندا! زمین را بفرما تا مرا فرو بَرَد» (همان: ۲۳۴)، «ای جاودانی! این فانی را در محبت جاودانی شو! بیرون بَر مرا از کفر و ایمان، به دوستی بپذیر جانم [...] در شهد شهود دلم را مهمان کن! در ظهور حُسن قدم روحم را در فنای وجود، میزبان کن!» (همان: ۲۰۴).

۲-۲-۵) نقش فرازبانی

از نظر یاکوبسن، هرگاه گوینده یا مخاطب یا هر دو احساس کنند لازم است از مشترک بودن رمزی که استفاده می‌کنند مطمئن شوند، در این صورت جهت‌گیری پیام به سوی رمز خواهد بود و آن را «نقش فرازبانی» می‌گویند. این نقش، بیشتر در فرهنگ‌های توصیفی کاربرد دارد و هدف این کارکرد «روشن کردن معنای نشانه‌هایی است که امکان دارد گیرنده پیام آن‌ها را درک نکند. مانند پرسش درباره معنای کلمات و توضیح برای مخاطب» (علوی مقدم، ۱۳۷۷: ۲۳۴).

شرح شطحیات اگرچه جنبه قاموسی ندارد، اما چنانچه از نام این اثر بر می‌آید، مملو از توصیفات مبتنی بر رمزگان عارفانه و صوفیانه است. روزبهان بقلی گذشته از تفسیر شطحیات عارفان پیشین مانند شطح بایزید بسطامی و حلاج و

دیگران، از جمله: «از آن می‌گوید آن شطاح عشق که من أشار الیه فهو ثنوی» (روزبهان بقلی، ۱۳۶۰: ۲۶۹)، «یکی از شبلی پرسید که تصوف چیست؟ گفت: تصوف شرکت است، زیرا که جنایت قلب از رؤیت غیر است و غیر نیست. قال: صادق است. هرکه در مشهد شهادت از بهر غیر تکلّف کند، کون را با حقّ بیند، رؤیت کون در مشاهده حقّ شرک است در حقیقت توحید» (همان: ۲۷۸) و غیره، بیش از ۲۰۰ اصطلاح علمی صوفیه را شرح داده و از این لحاظ نیز طیف وسیعی از تعاریف و توصیفات رمزی را در خود جای داده است؛ مانند: «هرکه در غیبِ غیب از خود غایب شد، عالم ملکوت و شهادت را باز نبیند، زیرا که در بحر ازلیّات، غرق کشفیّات قِدم شد» (همان: ۲۳۷) و «دل منظرِ روح است و محلی خاص هست که آن مکان لطیفه خاص است، در آن مکان جز تجلّی نظر سیصد و شصت‌گانه است. آن عالَم را «دل» خوانند که شاهد مشهد غیب است. نواحی آن موضع محل جریان خواطر است. الهام فجور و تقوی در آن نواحی فرود آید» (همان: ۱۸۵) و نمونه‌های متعدد دیگر که در شرح شطحیات پراکنده شده‌اند.

۲-۲-۶) نقش ادبی/ شعری

هدف از این نقش، آفرینش زیبایی و ایجاد لذت در مخاطب، القای پیام مؤثر یا هر دوی این‌هاست. در این کارکرد زبانی، جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام است. از ویژگی‌های مهم این نقش، استفاده از عناصر زبان، صناعات ادبی و ابزارهای زیباشناسانه است (شفیعی‌کدکنی، ۱۳۶۸: ۹). یاکوبسن این نقش را «نقش شعری» نامیده و بر این باور است که «کارکرد شعری یا برجسته‌سازی، جنبه ملموس نشانه‌ها، دوگانگی بنیادین نشانه‌ها و اشیا را عمق می‌دهد» (یاکوبسن، ۱۳۸۶: ۴۱). وی در توضیح این نقش، حرکت زبان را در دو قطب استعاری و مجازی دسته‌بندی کرده و در این میان، تداعی و حرکت زبان بر مدار شباهت را روش استعاری نامیده است. در نظریه او «هر رفتار زبانی که بر پایه مشابهت بنا شده باشد، روش استعاری نامیده شده است» (صفوی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۳۱).

روزبهان به سبب برخورداری از تجربه‌های ناب شخصی، تعبیرهای ناب و خلاقانه بسیاری دارد. این در حالی است که زبان روزمره با همه امکاناتش از بازتاب ذهنیات و احوالات درونی او ناتوان است؛ به همین سبب، ذهنیت استعاره‌گرا بر کلام او سایه افکنده و زبان شرح شطحیات پر از تصاویر شاعرانه است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۰). این نقش در سرتاسر شرح شطحیات به وفور پراکنده شده؛ از جمله: «در شطحیات مشایخ عشق، بسی شرح گفته شد. مشاهده که عیان قلب است، در سماع صفا دیده جان است که از غَیم حدثان بیرون می‌آید. به فهم الخطاب و سهم الغیب، روح را جناح همّت بمی‌روید. آنگاه در هوای تنزیه، به نعت تقدیس بمی پرد. مشاهده غیب الغیب می‌شود[...] چون از پرده حدوث بیرون رفت، کون و عدم محو شود، به دیده دیمومیّت جمال ازل بمی بیند. دیده را بدان دیده صد هزار دیده پیدا می‌شود و از عیون صفات و سرّ اسماء و جلال نعوت از قِدم در قدم نگران است. سنای صفای وحدت او را به جام تجلّی ملتبس کند، تا بدان جامه، جان همرنگ آن جامه می‌شود. چون سماع به غایت شد، نگار عیان شد، دویی پنهان شد، آنچه بیند ظاهر، باطن شود و باطن، ظاهر گردد؛ به همه وجود، وجود را ببیند» (روزبهان بقلی، ۱۳۶۰: ۲۱۴)، «نقوش نگار فلک با خبرشماران حکمت بگذار که نور عنایت از قندیل کفایت انگشت نمایان محبت را سوزد. در جهان، وجود عشق روی آن ندارد که در این عالم پاسبانی طبیعت کند» (همان: ۲۷۸)، «از آسمان یقین مرغ الهام پَرد، از ملک اعلی تنها روانِ «دنی» را پیغام «تَدَلّی» آورد. داغ عشق بر جبین ارواح شاه قدم نهد» (همان: ۲۷۵)، «شقشقه عشق در دهان جان دارم، از آن بر کون

و مکان صولت امانت معرفت دارم» (همان: ۲۷۴). جدول شماره ۱ کاربرد نقش‌های شش‌گانه الگوی ارتباطی یاکوبسن در شرح شطحیات را نشان می‌دهد.

جدول ۱. کاربرد نقش‌های شش‌گانه الگوی ارتباطی یاکوبسن در شرح شطحیات

نقش‌ها	ساخت	نمونه کاربرد در متن شرح شطحیات
ارجاعی	خبری	«توحید، خبر است از خبر و اثر است، از ابراز اثر» (همان: ۲۱۹).
عاطفی	ندا/ شبه جمله	«ای هلال آسمان! ای برج کیوان!» (همان: ۲۱۶)، «هلا! هلا!» (همان: ۲۱۷).
همدلی	پرسشی	«از دفتر حکیمان فلسفه، طبع اطباق افلاک چه دانی؟» (همان: ۲۲۰).
ترغیبی	امری/ طلبی	طلبی عام: «غریب تنها رو در عشق باش[...] بر نهال وجود، سالار محبّت شو!» (همان: ۲۵۳). طلبی دعا: «بیرون بَر مرا از کفر و ایمان» (همان: ۲۰۴).
فرازبانی	قاموسی/ توصیفی	«آن عالَم را «دل» خوانند که شاهد مشهد غیب است. نواحی آن موضع محل جریان خواطر است. الهام فجور و تقوی در آن نواحی فرود آید» (همان: ۱۸۵)
زبان ادبی	خبری، در نقش شعری	«به فهم الخطاب و سهم الغیب، روح را جناح همّت بمی‌روید. آنگاه در هوای تنزیه، به نعت تقدیس بمی‌پرد. مشاهده غیب الغیب می‌شود» (همان: ۲۱۴).

نتیجه

در پژوهش حاضر، شرح شطحیات روزبهان بقلی بر اساس الگوی ارتباطی یاکوبسن تحلیل و ارزیابی شد. در پاسخ به پرسش اول پژوهش مبنی بر این که روزبهان بقلی در شرح شطحیات کدام‌یک از نقش‌های مطرح در الگوی ارتباطی یاکوبسن را به کار گرفته؟، نتایج بررسی نشان داد که روزبهان در فرایند ارتباط میان خود و طیف گسترده انواع مخاطبان خویش، از تمام ظرفیت‌های زبان در نقش‌های شش‌گانه آن، شامل: ارجاعی، عاطفی، ترغیبی، همدلی، فرازبانی و زبان ادبی، بهره گرفته است. در این میان، وضعیت کاربرد نقش‌های ارتباطی در شرح شطحیات به قرار زیر است:

۱. به دلیل این که هدف اصلی شرح شطحیات، گزارش مفاهیم مندرج در شطحیات عارفان نامدار است، نقش ارجاعی بسیار پرکاربرد است؛ به‌گونه‌ای که حدود ۴۸ درصد از گزاره‌های شرح شطحیات را به خود اختصاص داده است.

۲. به دلیل این که نقش عاطفی بیانگر احساس مستقیم گوینده دربارهٔ موضوعی است که از آن بحث می‌کند و به دلیل شوریدگی روزبهان، در کاربرد طیف وسیع انواع ندا، شبه جمله‌ها، نام‌آواها و اصوات نمود یافته است. روزبهان در شرح شطحیات علاوه بر استفاده از حروف ندا و شبه جمله‌ها، خلاقیت‌های دیگری نیز به کار برده که اگرچه در حوزه مفهومی نقش عاطفی است، اما تفاوت‌هایی با الگوی یاکوبسن دارد؛ از جمله کاربرد نام‌آواها و شبه جمله‌های قسم.

۳. از آنجا که هدف نقش همدلی، جلب توجه و آماده کردن مخاطب است و در نظریه ارتباطی یاکوبسن، معمولاً در جملات دارای ساختار پرسشی نمود می‌یابد، روزبهان خلاقیت ویژه‌ای در این نقش زبانی به کار بسته و آن بهره‌گیری آیات قرآن و احادیث و ایجاد زمینه اشتراک فکری و عقیدتی با مخاطب است.

۴. به دلیل این که جهت‌گیری نقش ترغیبی و تأکید آن بیشتر به سوی مخاطب و زمینه‌های کاربرد آن معمولاً در ساخت های «ندایی» یا «امری» (طلبی) فراهم است، در حقیقت، این نقش بیشتر جنبه تبلیغاتی دارد که فرستنده پیام با

فعل‌های امر و نهی، مخاطب خود را به انجام کاری ترغیب می‌کند یا او را از کاری منع می‌کند. روزبهان بقلی شیرازی در شرح شطحیات که به‌گونه‌ای اثر تعلیمی صوفیه نیز محسوب می‌شود، تقریباً تمام پدیده‌های هستی را مورد خطاب خود قرار داده و با استفاده از این کارکرد زبانی، حوزه تبلیغاتی وسیعی ایجاد کرده است.

۵. به دلیل این که شرح شطحیات مملو از توصیفات مبتنی بر رمزگان عارفانه و صوفیانه است، روزبهان بقلی در این اثر با استفاده از نقش فرازبانی، گذشته از تفسیر شطحیات عارفان پیشین، بیش از ۲۰۰ اصطلاح علمی صوفیه را شرح داده و از این لحاظ به شرح شطحیات جنبه قاموسی داده است.

۶. روزبهان به سبب برخورداری از تجربه‌های ناب شخصی، تعبیرهای ناب و خلاقانه بسیاری دارد. این در حالی است که زبان روزمره با همه امکاناتش از بازتاب ذهنیات و احوالات درونی او ناتوان است؛ به همین سبب، با استفاده از نقش شعری/ ادبی، ذهنیت استعاره‌گرا بر کلام او سایه افکنده و زبان شرح شطحیات پر از تصاویر شاعرانه است.

در پاسخ به پرسش دوم یعنی کدام بخش از الگوی یاکوبسن در شرح شطحیات نمود بارزتری یافته است؟ نتایج پژوهش نشان داد که از میان نقش‌های زبانی به کار رفته در شرح شطحیات، کاربرد نقش عاطفی و ادبی بسیار فراگیرتر از دیگر نقش‌های زبانی است؛ به این دلیل که این نقش به‌گونه‌ای، زبان حال گوینده است و تحت تأثیر احساس خاص گوینده است. در شرح شطحیات تقریباً تمام نقش‌های دیگر زبانی در خدمت نقش عاطفی زبان بوده است. حتی استفاده از نقش ارجاعی زبان نیز به گونه‌ای است که روزبهان در قالب جملات خبری، مفاهیم رمزی را بیان کرده و کاربرد آن را از محدوده توصیف مقوله‌های تجربی، به بیان مباحث شهودی و رمزی گسترش داده است. به عبارتی دیگر، ذهنیت حاکم استعاره‌ای در شرح شطحیات حاصل بازی‌های زبانی نویسنده است که مدام در مسیر حرکت از صورت به معنی درگذر است. بنابراین، با توجه به نظریه یاکوبسن مبنی بر نقش مجازی و استعاری کلام، زبان روزبهان در شرح شطحیات، زبانی شعرگونه و آمیخته به استعاره است که وی برای تفهیم اصول متصوفه به کار گرفته است.

تعارض منافع

طبق گفتهٔ نویسندگان، پژوهش حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع است.

منابع

احمدی، بابک. (۱۳۷۰). ساختار و تأویل متن. چاپ چهارم. تهران: مرکز.

آقابابایی، سمیّه؛ صفوی، کورش. (۱۳۹۵). «نقش‌های زبانی یاکوبسن». متن پژوهی ادبی. سال ۲۰. شمارهٔ ۶۹. صص: ۳۴- ۷.

باقری، مهری. (۱۳۹۳). مقدمات زبان‌شناسی. چاپ ۱۹. تهران: قطره.

پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۴). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی. چاپ اول. تهران: علمی- فرهنگی.

پورنامداریان، تقی؛ رستاد، الهام. (۱۳۹۳). «بررسی و تحلیل کاربرد آیات و احادیث در شرح شطحیات روزبهان بقلی». متن پژوهی ادبی. شمارهٔ ۵۸. صص: ۲۸- ۷.

چهار لنگ علی ضامنی، فرزانه؛ مهرکی، ایرج. (۱۴۰۰). «بررسی قطب استعاری و مجازی در شرح شطحیات روزبهان بر اساس نظریه رومن یاکوبسن». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. سال ۱۷. شمارهٔ ۶۵. صص: ۶۷- ۳۹.

خلیلی، علی‌اصغر؛ حسن‌پور آلاشتی، حسین؛ ستّاری، رضا و سیاوش حق‌جو. (۱۳۹۶). «بررسی و تحلیل تصویر در شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی». پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا). سال ۱۱. شمارهٔ ۴. صص: ۴۰- ۲۳.

روزبهان بقلی. (۱۳۶۰). شرح شطحیات روزبهان بقلی. به تصحیح هنری کربن. تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه.

سجودی، فرزان. (۱۳۸۰). ساختگرایی، پساساختگرایی و مطالعات ادبی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

شفیعی کدکنی، محمّدرضا. (۱۳۶۸). موسیقی شعر. تهران: آگاه.

شفیعی کدکنی، محمّدرضا. (۱۳۹۲). زبان شعر در نثر صوفیانه. تهران: سخن.

صفوی، کورش. (۱۳۹۱). آشنایی با زبان‌شناسی در مطالعات ادب فارسی. تهران: علمی.

صفوی، کورش. (۱۳۹۴). از زبان‌شناسی به ادبیات. تهران: سورهٔ مهر.

علوی مقدم، مهیار. (۱۳۷۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. چاپ دوم. تهران: سمت.

غلامرضایی، محمّد. (۱۳۸۸). سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

فالر، راجر؛ یاکوبسن، رومن؛ لاج، دیوید و پیتر بری. (۱۳۸۱). زبان‌شناسی و نقد ادبی. ترجمهٔ مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نی.

فتوحی رودمعجنی، محمود. (۱۳۸۹). «از کلام متمکن تا کلام مغلوب (بازشناسی دو گونه نوشتار در نثر صوفیانه)». نقد ادبی. سال ۳. شمارهٔ ۱۰. صص: ۶۲- ۳۵.

قویمی، مهوش. (۱۳۶۵). «زبان‌شناسی و کاربرد آن در ادبیات: پیدایش نقد ساختاری». زبان‌شناسی. شمارهٔ ۱. صص: ۸۹- ۷۷.

ناصح، محمّدامین. (۱۳۸۸). «بررسی رویکردهای زبانی در پژوهش‌های زبان و ادبیات». جستارهای ادبی. شمارهٔ ۱۸۸. صص: ۱۶۳- ۱۴۷.

هاوکس، ترنس. (۱۳۹۰). استعاره. ترجمهٔ فرزانه طاهری. چاپ چهارم. تهران: مرکز.

یاکوبسن، رومن. (۱۳۸۱). زبانشناسی و شعرشناسی (زبانشناسی و نقد ادبی). ترجمهٔ حسین پاینده. تهران: نی.

یاکوبسن، رومن. (۱۳۸۶). زبان‌شناسی و نقد ادبی. ترجمهٔ مریم خوزان و حسین پاینده. تهران: نی.

References

Agha Babaei, S. & Safavi, K. (2015). Naghshha-ye Zabani-ye Jacobsen. Matn Pazhoohi-ye Adabi. 20(69). Pp. 7-34. [In Persian]

Ahmadi, B. (1991). Sakhtar va ta'vil-e Matn. 4th edition. Tehran: Markaz.

Bagheri, M. (2013). Moghaddamat-e Zabanshenasi. 19th Edition. Tehran: Ghatre.

Roozbahan Bagli. (1981). Sharh-e Shatahiyat-e Roozbahan-e Baghli. Be Tashih-e Henry Carbone. Tehran: Anjoman-e Iranshenasi-ye Farance.

Poornamdariyan, T. (1985). Ramz va Dastanhaye Ramzi Dar Adab-e Farsi. first edition. Tehran: ‘Elmi -Farhangi.

Poornamdariyan, T. & E. Rastad. (2013). Barresi Va Tahlil-e Karbord-e Ayat Va Ahadis Dar Sharh-e Shatahiyat-e Roozbahan-e Baghli. Matn Pazhoohi-ye Adabi. No. 58. pp. 7-28. [In Persian]

Chaharlang ‘Ali Zameni, F. & I. Mehraki. (2021). Barresi-ye Ghotb-e Este’ari Va Majazi Dar Sharh-e Shatahiyat-e Roozbahan Bar Asaas-e Nazari-ye Roman Jacobsen. Adabiyyat-e ‘Erfani va Ostoore shenakhti. 17(65). Pp. 39-67. [In Persian]

Khalili, ‘A.A; Hasanpoor Alashti, H; Sattari, R. & S. Haghjoo. (2016). Barresi Va Tahlil-e Tasvir Dar Sharh-e Shathiyat-e Roozbahan-e Baghli. Pazhooheshhaye Adab-e ‘Erfani (Gohar Gooya). 11(4). Pp. 23-40. [In Persian]

Sojoodi, F. (2001). Sakhtgeraei, Pasa Sakhtgeraei Va Motale’at-e Adabi. Tehran: Sazman-e Tablighat-e Eslami.

Shafi’i Kadkani, M.R. (1989). Moosighi-ye She'r. Tehran: Agah.

Shafi’i Kadkani, M.R. (2012). Zaban-e She'r Dar Nasr-e Soofiyane. Tehran: Sokhan.

Safavi, K. (2012). Ashenayi Ba Zabanshenasi Dar Motale’at-e Adab-e Farsi. Tehran: ‘Elmi.

Safavi, K. (2014). Az Zabanshenasi Be Adabiyyat. Tehran: Soore-ye Mehr.

‘Alavi Moghaddam, M. (1998). Nazariyehaye Naghd-e Adabi-ye Mo’aser. Second edition. Tehran: Samt.

Gholamrezaei, M. (2009). Sabkshenasi-ye Nasrhaye Soofiyane. Tehran: Daneshgah-e Shahid Beheshti.

Faller, R; Jacobsen, R; Lodge, D. & P. Barry. (2002). Zabanshenasi Va Naghd-e Adabi. Tarjome-ye Maryam Khoozan & Hosein Payande. Tehran: Ney.

Fotoohi Roodma’jni, M. (2010). Az Kalam-e Motemaken Ta Kalam-e Maghloob (Baz Shenasi-ye do Goke Neveshtar dar Nasr-e Soofiyane). Naghd-e Adabi. 3(10). Pp. 35-62 . [In Persian]

Ghavimi, M. (1986). Zabanshenasi Va Karbord-e An Dar Adabiyyat: Peydayesh-e Naghd-e Sakhtari. Zabanshenasi. No.1. pp. 77-89. [In Persian]

Naseh, M. (2009). Barresi Rooykardhaye Zabani Dar Pazooheshhaye Zaban Va Adabiyyat. Jostarhaye Adabi. No. 188. Pp. 147-163. [In Persian]

Hawkes, T. (2011). Este'are. Tarjome-ye Farzane Taheri. 4th edition. Tehran: Markaz.

Jacobsen, R. (2002). Zabanshenasi Va She'rshenasi (Zabanshenasi va Naghd-e Adabi). Tarjome-ye Hosein Payande. Tehran: Ney.

Jacobsen, R. (2007). Zabanshenasi Va Naghde Adabi. Tarjome-ye Maryam Khoozan & Hosein Payande. Tehran: Ney.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی